

## ایران، روسیه و آینده مسئله سوریه

محمود شوری\*

همکاری در مدیریت بحران سوریه حوزه تازه‌ای در فرایند همکاری‌های ایران و روسیه در دوره پس از فروپاشی شوروی به شمار می‌آید. ایران و روسیه تا پیش از بحران سوریه سابقه همکاری در بحران تاجیکستان و تاحدودی بحران افغانستان را با یکدیگر داشته‌اند، اما همکاری در موضوع سوریه بنا به دلایل مختلف از اهمیت و ویژگی متفاوتی برخوردار است. در هیچ یک از دو بحران گذشته همکاری ایران و روسیه برای سایر قدرت‌های منطقه‌ای و یا فرامنطقه‌ای حساسیت برانگیز و یا نگران کننده نبوده است و مهمتر از آن اینکه، این همکاری‌ها اگرچه نقش تعیین کننده‌ای در ثبات‌سازی منطقه‌ای داشته‌اند، اما تعریف تازه‌ای از نظم منطقه‌ای ارائه نکرده‌اند. بر خلاف دو مورد گذشته، نوع همکاری ایران و روسیه در موضوع سوریه می‌تواند

\* مدیر گروه مطالعات اوراسیا، مرکز تحقیقات استراتژیک

نقش تعیین کننده‌ای در شکل دهی به نظم آینده منطقه‌ای در حوزه خاورمیانه ایفا کند (و یا حداقل گمان بر این است که می‌تواند چنین باشد). روسیه با حمایت جمهوری اسلامی ایران به یک بازیگر اصلی در بحران سوریه تبدیل شد و اگر مقاومت ایران در سوریه نبود احتمالاً روسیه عرصه را در سوریه به مخالفان دولت بشار اسد واگذار کرده بود. اگر بپذیریم که مرحله نخست همکاری‌های عملیاتی ایران و روسیه در سوریه تاکنون به شکل موفقیت‌آمیزی منجر به تثبیت دولت سوریه شده، مسئله اصلی این است که در مرحله بعد یعنی مرحله مذاکرات سیاسی، دو کشور چه راهبردی را باید مد نظر قرار دهند؟

مسئله سوریه برای نخستین بار ایران و روسیه را در خاورمیانه به لحاظ عملیاتی در یک جبهه قرار داد. به رغم آن‌که طی این مدت هم ایران تلاش کرده است تا به نیروی زمینی روسیه تبدیل نشود و هم روسیه تلاش کرده است تا نقش نیروی هوایی ایران را بازی نکند، اما دو کشور از طریق تقسیم وظایف تاکنون توانسته‌اند مانع از دستیابی مخالفان دولت اسد به اهداف خود در این کشور بشوند. به عبارت دیگر، هر چند ایران و روسیه هدف واحدی را تاکنون در سوریه دنبال کرده‌اند و از یک منظر بیرونی هر دو کشور در جبهه مشترکی قرار دارند، اما واقعیت این است که هر دو طرف از طریق یک تقسیم وظیفه هوشمندانه در جبهه خود جنگیده‌اند. نه ایران در سوریه در جبهه روسیه بازی می‌کند و نه روسیه در جبهه ایران. با این حال، تا زمانی که دستور کار دو طرف در سوریه تغییری نکرده است می‌توان انتظار داشت که این همکاری مبتنی بر تقسیم وظایف، به شکلی که تضمین‌کننده اهداف هر دو کشور باشد، ادامه پیدا کند، اما در صورت تغییر دستورکار هر یک از دو کشور شرایط می‌تواند کاملاً تغییر پیدا کند. به عبارت دیگر، در هر شرایطی امکان تقسیم کار کم و بیش برابر میان ایران و روسیه در سوریه وجود ندارد. چنانچه روسیه بخواهد در ادامه مسیر تمرکز خود را از عملیات نظامی به تلاش‌های دیپلماتیک تغییر دهد، عملاً مدیریت مسئله به طور عمده در اختیار روسیه قرار خواهد گرفت و امکان کمتری برای تقسیم وظایف به عنوان یک راه همکاری میان دو طرف وجود خواهد داشت. اگر بپذیریم که در بحران سوریه نه ایران حاضر به پذیرفتن مدیریت روسی است و نه روسیه حاضر به پذیرفتن مدیریت ایران، بنابراین تقسیم وظایف بهترین راه کار برای

همکاری میان دو طرف است.

از همان آغاز، اهداف روسیه از ورود به صحنه عملیات نظامی در سوریه تفاوت‌هایی با اهداف ایران از ورود به این صحنه داشت. برای ایران حفظ جبهه مقاومت از طریق حفظ دولت اسد مهمترین هدف به شمار می‌رفت در حالی که برای روسیه حفظ دولت اسد در حدی که طرف‌های مقابل را متقاعد به پذیرش سهم این دولت در دولت آینده نماید، مد نظر بود. بنابراین، برای روسیه از آغاز مداخله نظامی ابزاری در جهت رسیدن به اهداف سیاسی و دیپلماتیک بود. به همین دلیل به محض فراهم شدن شرایط، روس‌ها طرح‌های متعددی برای حل و فصل دیپلماتیک بحران ارائه کرده‌اند. روسیه در این زمینه تاکنون موفق شده است دو گام بسیار مهم را با موفقیت بردارد: اول، آغاز گفتگوهای مستقیم میان تمامی طرف‌های درگیر و دوم، برقراری آتش‌بس سراسری میان طرف‌های مذاکره کننده. در مرحله سوم روسیه از طریق تعامل با ایالات متحده امریکا به دنبال دستیابی به طرحی برای نظام سیاسی آینده سوریه است. اگرچه در جریان گفتگوهای دو جانبه امریکا و روسیه از تلاش برای تنظیم قانون اساسی جدید سوریه سخن گفته می‌شود، اما تاکنون طرح پیشنهادی روس‌ها طرح فدرالیزه کردن سوریه بوده است. فدرالیزه کردن سوریه با هدف ایجاد امکان اعطای سهم به هریک از طرف‌های اصلی بحران می‌باشد. هنوز مشخص نیست که این طرح که ظاهراً شامل سه اقلیم علوی‌نشین، اقلیم کردی و اقلیم سنی‌نشین می‌شود تا چه اندازه با نظر موافق طرف‌های دیگر قابل عملیاتی شدن باشد، اما این مسئله مشخص است که چنانچه روسیه از این طریق نتواند نفوذ خود را حداقل در منطقه علوی‌نشین که دمشق، لاذقیه، طرطوس و سواحل سوریه در دریای مدیترانه را دربر می‌گیرد، حفظ کند، عملاً هیچ دستاوردی از ورود به صحنه عملیاتی نبرد در سوریه نداشته است. طرح فدرالیزه کردن سوریه ممکن است برای ایران نیز از یک نگاه حداقلی گزینه مطلوبی باشد، اما از یک سو سوریه عملاً تجزیه شده نمی‌توان انتظار داشت که حلقه قدرتمندی در زنجیره مقاومت در برابر رژیم صهیونیستی باشد.

علاوه بر این، فدرالیسم اگرچه ممکن است بنیان مطلوبی برای آینده سوریه از نظر روس‌ها باشد، اما این طرح مشکل اساسی سوریه و کل منطقه یعنی حضور

جریان‌های افراطی را حل نمی‌کند. در واقع طرح مشخص روس‌ها در این زمینه در وهله نخست محدودسازی حمایت‌های خارجی از جریان‌های افراطی و در وهله دوم ایجاد یک ائتلاف بین‌المللی برای مقابله با آنهاست. در داخل سوریه روس‌ها امیدوار هستند که از طریق قطع ارتباط ترکیه با مناطق تحت اشغال داعش محاصره این نیروها را تنگ‌تر کنند.

طرح فدرالی کردن سوریه با توجه به تطابق مناطق فدرالی سوریه و عراق، این خطر را دارد که عملاً منجر به تشکیل سه کشور سنی‌نشین، شیعه‌نشین و کردی از ترکیب مناطق فدرالی در عراق و سوریه گردد. البته با توجه به پیوند سرزمینی میان مناطق کردی و سنی‌نشین در عراق و سوریه از یک سو و فاصله جغرافیایی و تفاوت‌های موجود میان علویان سوریه و شیعیان عراق از سوی دیگر، مطابق این طرح ما احتمالاً شاهد دو دولت مرکزی ضعیف در دمشق و بغداد و مناطق به هم پیوسته کردی و سنی در دو کشور خواهیم بود.

طرح‌های روسیه برای سوریه همان‌گونه که گفته شد تاکنون خوب پیشرفته است اما هنوز شاید زمان مناسبی برای قضاوت در مورد موفق بودن روسیه از یک سو و مطلوب بودن این موفقیت برای ایران از سوی دیگر نباشد.

چنانچه روسیه بتواند چه از طریق نظامی و چه از طریق دیپلماتیک موفق به مدیریت این بحران بشود، هم موقعیت خود را در سطح بین‌المللی تا حدود زیادی بهبود خواهد بخشید و هم به یک بازیگر تعیین‌کننده در منطقه خاورمیانه تبدیل خواهد شد. روسیه با سرمایه محدود و سرمایه‌گذاری محدودتر به دنبال کسب دستاوردهای بزرگ در خاورمیانه است. این موضوع ریسک رفتارهای روسیه را برای تمامی بازیگران اصلی در خاورمیانه از جمله ایران افزایش می‌دهد. علاوه بر این، روسیه تلاش می‌کند تا از طریق این بحران مسائل خود را با غرب حل کند و یا حداقل آنها را به حاشیه ببرد. در تلاش‌های دیپلماتیک برای حل و فصل بحران سوریه، روسیه امید زیادی به همراهی و همکاری امریکا دارد.

نکته حائز اهمیت در مورد همکاری‌های ایران و روسیه در سوریه این است که اگرچه در آغاز این فرایند روسیه به شدت نیازمند همکاری و پشتیبانی جمهوری اسلامی ایران بود، اما در ادامه ممکن است از میزان نیاز روسیه به جمهوری اسلامی

ایران در منطقه کاسته شود. به عبارت دیگر، اگرچه ورود فعالانه روسیه به بحران سوریه با کمک و همراهی ایران میسر شد، اما روسیه ممکن است در ادامه مسیر الزاماً تنها به تعامل با ایران نیندیشد.

روسیه در خاورمیانه یک قدرت نظم‌ساز نبوده و نیست و حتی در این منطقه پس از فروپاشی شوروی به دنبال موازنه‌گری در برابر غرب نیز نبوده است. روسیه تمایلی ندارد که نقش موازنه‌ها را تغییر دهد و در این چارچوب ایران را یک بازیگر در کنار سایر بازیگران می‌بیند. به عبارت دیگر، طراحی روسیه برای خاورمیانه الزاماً بر روی همکاری همه‌جانبه با ایران بسته نشده است. البته جمهوری اسلامی ایران به دلیل سوابق همکاری با روسیه و همچنین همسویی‌های کلان دو کشور در سطح بین‌المللی، از بیشترین ظرفیت برای تداوم همکاری‌های استراتژیک با روسیه در خاورمیانه برخوردار است. اما با این حال به نظر می‌رسد در رایزنی‌ها باید نظر رهبران روسیه را به موارد زیر جلب کرد:

۱. با توجه به اینکه نه ایران حاضر به قرارگرفتن ذیل نام روسیه در خاورمیانه است و نه متقابلاً روسیه، الگوی تقسیم وظایف که در سوریه میان ایران و روسیه شکل گرفت می‌تواند در کل منطقه خاورمیانه کاربرد داشته باشد؛

۲. جمهوری اسلامی ایران از قدرت گفتمانی و نفوذ فرهنگی و سیاسی در منطقه برخوردار است و روسیه از قدرت نظامی و دیپلماتیک. ترکیب این دو می‌تواند به ایجاد ثبات و نظم در خاورمیانه کمک کند؛

۳. جمهوری اسلامی ایران به دلیل داشتن سیاست خارجی مستقلانه تنها کشوری است که روسیه می‌تواند از طریق همکاری با آن و یا به عبارت بهتر از طریق تقسیم کار با آن، همچنان نفوذ و تأثیرگذاری خود را در خاورمیانه حفظ کند؛

۴. همکاری با غرب برای عبور از بحران ضرورت دارد، اما غرب در نهایت اجازه نخواهد داد روسیه خاورمیانه را به حوزه نفوذ خود تبدیل کند؛ و

۵. نگاه بازاری به خاورمیانه و تلاش برای بهره‌گیری از همه فرصت‌های ممکن اگرچه در کوتاه مدت ممکن است منافی برای روسیه داشته باشد، اما در یک نگاه درازمدت این کشور را به قدرتی مسئولیت‌پذیر و متحدی قابل اعتماد برای

کشورهای منطقه تبدیل نخواهد کرد.